

کد اجرا:

تاریخ آزمون: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸

نام و نام خانوادگی:

آموزشگاه: زکيه

نام آزمون: امتحان ادبیات درس اتاه ۱- پایه نهم

۱ از مصدر «نوشتن»، یک فعل مضارع اخباری در صیغه اول شخص جمع و یک فعل ماضی (گذشته) نقلی در صیغه سوم شخص مفرد، بنویسید.

۲ درستی یا نادرستی را با «ص»، یا «غ»، تعیین کنید:

الف از وام واژه «طلب»، می توان مصدر فعل فارسی درست کرد.

ب واژه اول مصراع «دیده‌ای نیست نبیند رخ زیبای تو را، فعل ماضی نقلی است.

پ منظور از «صحبت بد»، در بیت «با بدان کم نشین که صحبت بد / گرچه پاکی تو را پلید کند، سخن بد است.

ت در عبارت: «خانه بس بزرگ است و چشم تو بس مختصر و در وی نمی گنجد، مرجع ضمیر «وی»، خانه است.

۳ با ویژگی زیر از مصدر «گریستن»، فعل بسازید.

الف دوم شخص جمع مضارع التزامی:

ب اول شخص مفرد ماضی نقلی:

۴ بیت‌های ناقص را کامل کنید.

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن

دور گردون،

۵ ابتدا یک گروه اسمی با الگوی (صفت اشاره + هسته + صفت) بسازید و سپس آن را در نقش مفعول در یک جمله بکار ببرید.

۶ در بیت زیر، کدام آرایه ادبی مشهود است، مشخص کنید:

یکی آرزو کن که تا از هوا / کجاست آید افگندن اکنون هوا

۷ نقش دستوری هسته و وابسته موجود در مصراع زیر را بنویسید:

قومی که گشت فاقد اخلاق مردنی است.

۸ معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

الف سرزنش‌ها گر کند خار مگیلان غم مخور

ب تو را در آینه زنگار نیست.

پ در محاوراتی که میان دو کس رود خوض ننماید.

ت چون میغ و برف و تگرگ و قوس قزح

۹ معنی و مفهوم بیت‌ها و عبارات زیر را به فارسی روان بنویسید.

الف

به چشم بصیرت به خود در نگر تو را تا در آینه زنگار نیست

ب

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور

پ هر که با بدان نشیند اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند به طریقت ایشان متهم گردد.

۱۰ کدام گزینه «پرسش انکاری»، ندارد؟

الف) چگونه می‌بینی عمل خویش را؟

ب) درختی که تو امروز نشانی، میوه آن کجا توانی خورد؟

۱۱ دو مصراع به دلخواه بنویسید که یکی تشبیه و دیگری کنایه داشته باشد. (با دلیل)

۱۲) آرایه ادبی هر بیت را از کمانک مقابل، انتخاب نمایید.

الف) پسر نوح با بدان بنشست / خاندان نبوتش گم شد (تلمیح - جناس)

ب) آسمان از شوق، دف می‌زد / شطّ خرّمشهر، کف می‌زد (تشبیه - تشخیص)

۱۳) «رویش، از نظر ساختمان با کدام گزینه شباهت دارد؟

الف) گرمایش (ب) آسایش

۱۴) در بیت «سعیدیا راست روان گوی سعادت بردند / راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار، کدام عناصر زیبایی سخن به کار رفته است؟

الف) تشبیه (ب) ضرب المثل (ج) تشخیص (د) گزینه الف و ب

۱۵) مفهوم کدام گزینه در مقابل آن نادرست آمده است؟

۱- میان بندگی را نباید بست «آماده بندگی شدن»

۲- سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد «تبدیل به انسان شد»

۳- خون میان سنگر آزادگان جوشید «خشمگین شدن»

۴- جهان سر به سر زیر دست من است «تحت فرمان بودن جهان»

پاسخنامه تشریحی

۱) مضارع اخباری اول شخص جمع: می نویسیم (می + بن مضارع + شناسه)

ماضی نقلی سوم شخص مفرد: نوشته است (بن ماضی + ه + ام، ای، است ...)

۲

الف) صحیح. طلب + یدن (پسوند مصدر فارسی) ← طلبیدن (جنگیدن، کوبیدن و ...)

ب) نادرست. دیده، نقلی چشم است.

پ) نادرست - صحبت بد، یعنی همصحبیت بد.

ت) درست - در گذشته، ضمیر وی را برای غیر انسان هم به کار می بردند.

۳

الف) بگیرید (ب + بن مضارع + شناسه)

ب) گریسته ام (بن ماضی + ه + ام، ای ...)

۴) یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور

وین سر شوریده باز آید به سامان، غم مخور

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت / دائماً یکسان نباشد حال دوران، غم مخور

۵) آن دفتر زیبا. (آن: صفت اشاره / دفتر: هسته / زیبا: صفت بیانی)

آن دفتر زیبا را در مهمانی دیدم.

۶) هوا در مصراع اول: میل، هوس

هوا در مصراع دوم: باد، دو کلمه، جناس تام ساخته اند.

۷) فاقد اخلاق / مستند (قومی فاقد اخلاق گشت). / نهاد (قومی فاقد اخلاق گشت).

قومی / هسته ای نکره (وابسته پسین)

هسته وابسته پسین (منفصلیه)

مردنی: مستند (قوم مردنی است).

۸

الف) گیاه خاردار که میوه ای شبیه باقلا دارد. این کلمه در اصل دلم غیلان، یا «ام غولان» به معنی «مادر غولان» بوده است. چون در گذشته می پنداشتند که دیوهای بیابانی در زیر بوته های

گیاهان پنهان می شوند و مسافران را گمراه می کنند.

ب) زنگار: آلودگی و غبار، زنگ فلزات

پ) خوض: اندیشه عمیق درباره چیزی

ت) میغ: ابر

۹

الف) با بصیرت و آگاهی به خود آگاهی بررسی تا دلت که همچون آینه ای صاف است تیره شود.

ب) اگر روزگار مدتی به خوشایند تو سپری نشد، نگران نباش چرا که همواره ناخوشایند نمی ماند.

پ) هر کسی که با انسان های بد هم نشین شود، حتی اگر خودش انسان بدی نشود، مردم او را بد خواهند شمرد.

۱۰) گزینه «الف»

۱۱) علم دین بام گلشن جان است: تشبیه

سنایی علم دین (عرفان) را به نام و جان را به باغ تشبیه کرده است و می گوید آموختن عرفان موجب رسیدن روح و جان به نقطه اوج و تعالی می شود.

مکن کاری که بر پا سنگت آید:

سنگ بر پا آمدن: کنایه از گرفتار شدن. «بر خورد سنگ به پا، نشانه دچار شدن به سختی و رنج است. در کنایه، نشانه و علامت (یعنی نزدیک) ذکر می شود و معنی دور اراده می گردد.

۱۲

الف) تلمیح: اشاره به داستان زندگی حضرت نوح (ع) و پسر او

ب) تشخیص: دف زدن آسمان و کف زدن شط

۱۳) ب) هر دو از «بن مضارع + ـِ ش» ساخته شده اند.

۱۴) گزینه (د): گزینه الف و ب

۱۵) گزینه ۲